

با ناظران جهان جدید آشنا شوید

شیردلان داعش کش!

کردند و چه آنها که در این ترس فرامتنطقه‌های از درچه اخبار شریک شده‌اند، به رسمیت شناخته خواهد شد. در حقیقت لشکر سرداران جنگ با داعش بیش از آنکه به علت پیروزی‌های مکرر یا اخلاقی جنگی‌اش در جهان محبوب باشد صرفا به علت شجاعت شتافتن به جنگ با «امپراتوری وحشت داعش» از لندن تا نیویورک، از کوپانی تا بلخ، از بمبئی تا کاراکاس مقبول و محترم است.

اهمیت حضور بی تکلف حاج قاسم، ژنرال فاتح نبرد با وحوش آخرالزمانی در دیسپیلین اخلاقی اوست که حکم می‌کند هیچ نشانی از «ملیت» در لباس خاکی غیر نظامی‌اش در خط مقدم دیده نشود. در حالی که آمریکا در بهترین شرایط در مقابل چشمان نگران مردم منطقه، ایران را به شراکت در جنگی سیاسی با هدف امتیازگیری حفت - جفت از عراق و ایران و سوریه و لبنان فرامی‌خواند! همین موضوع است که غرب را در هر حال بازنده این بازی بزرگ و خطرناک کرده است.

سلیمانی نماینده ائتلاف اشغالگران نیست. فریاد «هل من ناصر» همسایه را شنید و بدون محاسبه سود و زیان ماجرا با لشکری از داوطلبان کرد و سنی و شیعه و افغان و سوری و لبنانی به نجات مظلوم شتافت. کیست که پرچم‌های افراشته عراق در این جنگ را منکر شود؟! هیچ فتوحی صورت نگرفت مگر اینکه خود عراقی‌ها در صف نخست مبارزه ایستادند و برنامه نبرد را طراحی کردند. تفاوت فرهنگی بسیار زیادی میان چنین لشکر متحد و فراملیتی با طرح اشغال یک کشور به بهانه جنگ انداختن بر منابع نفتی آن وجود دارد. به همین جهت است که مردان عراقی از هلهله مشترک به افتخار رهبر ایران و نصرالله لبنانی و سیستانی عراقی دریغ نمی‌کنند و نماز خواندن در صفی مشترک در جبهه نبرد با داعش بر سنی و شیعه و کرد پیش فرضی بی‌نیاز از استدلال است. کلید شکل‌گیری این اتحاد قدرتمند «خلق غیر سیاسی» سردار سلیمانی، ولایت‌مداری و تفکر فراملی وی در جنگی جدی و آخرالزمانی است؛ ویژگی‌هایی که هر کدام سرآغاز بحثی تازه برای آشنایی با فرماندهان ناظم جهان جدید خواهد بود.

باشیم. از سوی دیگر، اگر این نیروها بتوانند تکریب را از داعش بازپس بگیرند، این اتفاقی مثبت است. از این رو، چه در شرایط موجود مداخله بکنیم و چه نکنیم، مورد انتقاد قرار خواهیم گرفت.

فهم ناقص سفیر آمریکا در عراق از سنی‌های گرفتار شده در حکمرانی خودخوانده داعش را دقیقا می‌توان در گزارش میدانی بی‌بی‌سی از مردم تکریب و موصل که به واسطه اخطار رسمی ارتش عراق پیش از آغاز عملیات، خانه‌های خود را برای حفظ امنیت‌شان ترک گفته‌اند، درک کرد. عراقی‌های آواره سنی به بی‌بی‌سی گفتند: «از عملیات آزادسازی تکریب راضی هستیم، چرا که میان ارتش کشور خودمان و داعش تفاوت بسیار است. ارتش دوباره امنیت و رونق را به منطقه ما بازمی‌گرداند».

این گفته‌ها نشان می‌دهد داعش به علت نقض سیستماتیک امنیت بر اقتصاد منطقه نیز تأثیرات منفی بسیار داشته است. موضوعی که در یک سال اخیر به همان گروه‌های مردمی که ترس یا امید واهی موجب اعتمادشان به لشکر داعش را فراهم کرد نیز صدمات جدی وارد ساخته و بر تحلیل آنها مبنی بر «اعتماد مجدد به دولت مرکزی» تأثیر گذاشته است.

این رفتار متغلاانه غرب در برابر داعش دقیقا عکس سیاستی است که در جریان جنگ‌های جهانی اتخاذ کردند و از فرصت تکیه زدن بر کرسی قدرت جهانی بر خوردار شدند. نظم فعلی جهان ناشی از تفکرات و ایده‌های نظامی است که توسط فاتحان جنگ دوم جهانی جایگزین نظام موجود شد. یعنی غربی‌ها به این سبب که جهان را از یک آشوب بزرگ فراملیتی نجات دادند، از قدرت ایجاد تغییر در ساختار قدرت جهانی بر خوردار شدند.

به همین جهت است که لشکر قاسم سلیمانی حتی اگر در مقطعی شکست را نیز تجربه کند به صرف تشکیل، اتحاد و انگیزه‌های مشترک بسیار زیاد درونی‌اش برای نجات مردم منطقه از جنگ‌های جنگجویانی که حتی رپرتاژهای رسانه‌های غربی آنها را بسیار خطرناک‌تر و خونخوارتر از «نازی‌ها» معرفی می‌کنند، «ظلم تویش» از منظر همه ملتها، چه آنها که رعب حاصل از پیشروی داعشی‌ها را درک

چرا که حداقل آنها امنیت مردم را در مناطق تحت تصرفشان تامین می‌کنند اما ما هر روز با هوایبامهای بدون سرنشین آنها را بمباران می‌کنیم!»

اکنون در آمریکا از تخلفات اخلاقی افسران آمریکایی تحت عنوان «اختلافات فرهنگی» نام برده می‌شود که باید در آموزش‌های هالیوودی پیش از لشکرکشی‌های آتی در نظر گرفته شود. با این حال تنها علت نفرت مردم از آمریکایی‌ها بی‌توجهی به اصول اخلاقی و فرضا جست‌وجوی بدنی زن مسلمان توسط سربازان و تحقیر افسران و سربازان بومی افغانستان و عراق در دوره اشغال نیست!

نشریه آمریکایی بدون اشاره به محموله‌های هوایی آمریکا که برای کمک به داعشی‌های در حال محاصره مقابل چشمان عراقی‌ها پرتاب می‌شود از قول سخنگوی عصاب اهل الحق، یکی از گروه‌های شبه نظامی فعال در جنگ علیه داعش می‌نویسد: «داعش محصول مشترک سیا و موساد است. پیش از همه رژیم صهیونیستی از فعالیت‌های داعش منفعت می‌برد که آن هم فرزند شوم آمریکاست».

تحلیل‌های ملت‌ها از نقش آمریکا در تخریب نظم منطقه به سرعت در حال ارتقاقت و اتفاقا موج فراگیری بصیرت عمومی نسبت به سیاست‌های غرب با پیروزی‌های لشکر فرامذهبی و فراملیتی قاسم سلیمانی همراه شده است. در ادبیات روابط بین‌الملل کسی از توان ایجاد نظمی نوین برخلاف ساختارهای موجود بر خوردار است که «امنیت سایرین» در گرو همت او باشد. اینجاست که اهمیت تعلل آمریکا در انتخاب قربانی استراتژیک برای باقی ماندن بر کرسی ابرقدرتی مشخص می‌شود. آمریکایی‌ها با هدف تامین امنیت صهیونیست‌ها و تضعیف ساکنان کل منطقه خاورمیانه رای به حفظ داعش دادند و در جنگ مشترک ملت‌ها و دولت‌ها با جنگجویان خونخوار فرامتنطقه‌های اعلام بی‌طرفی کردند و به این ترتیب وارد معادله‌ای دو سرباخت شدند. جیمز اف جفری که در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ سفیر آمریکا در عراق بود در این باره می‌گوید: «ما نمی‌دانیم که این افراد در صورت پیشروی در منطقه شهروندی سنی‌ها، چه اقدامی انجام خواهند داد و از این رو نمی‌خواهیم تسهیل‌کننده این روند



حضور در جمع پیشمرگان کرد در امرلی

نیستند و تا زمانی که به اصطلاح «مسئول امنیت عراقی‌ها» در دوره اشغال بودند، هرگز مورد استقبال مردم واقع نشدند؟

بنیاد برادران را کافر به عنوان یکی از حلقه‌های مهم صهیونیستی ناظم نظم جهانی، برای یافتن پاسخ همین سوالات سادس مجموعه‌ای از گروه‌های متخصص با پرچم «حامیان صلح» را با بودجه‌ای قابل توجه تشکیل داد تا در کشورهای اشغال شده‌ای همچون افغانستان و عراق حاضر شوند و از مسیر «دیپلماسی شهروندی» علت تنفر ملت‌ها از آمریکایی‌ها، ناتو و به قولی «ارتش غرب» را بیابند. نتیجه این شد که سیاستمداران غربی ارتش خود را وحوشی نامیدند که هر کجا پا گذاشتند به عنوان نمایندگان فرهنگ منحوس غربی به غارت و خیانت و دزدی روی آوردند و نه تنها موجبات جذب ملت‌های دیگر را فراهم نکردند بلکه بر مشکلات کشورها افزودند. لیلی زنده، عضو گروه «هویان صلح» وابسته به بنیاد را کافر‌ها در مصاحبه تلویزیونی با یک شبکه آمریکایی مشاهدات خود از عراق و افغانستان را اینگونه توصیف می‌کند: «پول‌های ائتلاف در این کشورها به علت فساد اداری گم شده است! ما مدرسه‌ای ساخته شده به بیمبارستانی! هنوز بهترین جاده افغانستان همان است که نیروهای سپاه ایران ساخته‌اند! طالبان در افغانستان از نیروهای لشکر ائتلاف محبوب‌ترند،

برای آمریکایی‌ها پذیرش حد اکثری ایرانی‌ها در جامعه عراقی هنوز عجیب می‌نماید. به همین دلیل مقالات بسیاری درباره لشکر فراملیتی و فرامذهبی نگارش کرده‌اند که آشکارا به افتخار حضور قاسم سلیمانی، سردار فاتح ایرانی در خط مقدم تکبیر می‌گویند و از منجی نامیدن ایران در جنگ با داعش ابایی ندارند.

فارین پالیسی در ادامه گزارش خود نوشته است: نوری در پاسخ به این سوال که آیا کمک مشاوران نظامی آمریکایی نیز همانند کمک‌های سلیمانی مورد استقبال قرار خواهد گرفت، تصریح کرد: «گر بتوانیم به آنها اعتماد کنیم!» شک و تردید در لحن وی حاکی از عدم اطمینان این گروه شیعه به آمریکایی‌ها بود. با این حال، نوری خاطر نشان کرد اتکای سازمان بدر به ایران از اقدام سریع تهران در کمک به موصل در تابستان گذشته ناشی می‌شود: «گر خانه شما در آتش بسوزد و شخصی با مخزنی آب به سوی شما بشتابد، از وی نخواهید پرسید که اهل کجاست».

اما سردار سلیمانی که تنها مورد اطمینان شیعیان عراق نیست! علاوه بر آن مگر آمریکایی‌ها در یک رفتار تاریخی خارج از قاعده و قانون، دیکتاتور حزب بعث، صدام را سرنگون نکردند و موجبات شادی مردم این کشور و حتی همسایگانش را فراهم نکردند؟ پس چرا آنها از چنین محبوبیتی بر خوردار

مجتبی اصغری: عملیات مشترک رزمندگان شیعه و سنی و کرد عراقی با پشتیبانی تاکتیکی و نظامی ایران در جنگ با داعش وارد مرحله سرنوشت‌سازی شده است. عملیات بزرگ آزادسازی تکریب - که در کل دوره ۱۰ ساله اشغال عراق توسط آمریکا و متحدانش هرگز مورد پاکسازی قرار نگرفت و به کانون خرابکاری مشترک القاعده و باقیمانده حزب بعث تبدیل شده بود - امروز به دست لشکر مشترک همه اقوام عراقی به فرماندهی حاج قاسم سلیمانی در حال انجام است. فضای عمومی جامعه عراق بشدت با مجاهدان و رزمندگان در حال جنگ با داعش همراه است، چرا که امروز پس از آشکار شدن عواقب اعتماد به مجرمان خونخوار مدعی خلافت در موصل و صلاح‌الدین، کسی جز جنایت از داعش انتظاری ندارد. به این ترتیب عراقی‌ها فارغ از مذهب و اندیشه سیاسی دست‌کم برای ایجاد هدف بسیار مهم «ایجاد امنیت» با یکدیگر متحد و هم قسم شده‌اند تا کشورشان را از لکه ننگ داعشی‌ها پاک کنند.

مهم‌ترین نشریه حوزه سیاست خارجی آمریکا، فارین‌پالیسی از زبان کریم النوری، فرمانده نظامی و سخنگوی سازمان بدر، جنگ با داعش را اینگونه توصیف کرده است: «در صلاح‌الدین در حال پیشروی هستیم و ۳ نام است که در دل داعش رعب و وحشت ایجاد می‌کند؛ حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس، هادی العامری».



حضور در جمع پیشمرگان کرد در امرلی



منطقه جرف الصخر عراق



عکس یادگاری رزمندگان شیعه در منطقه امرلی

عکس‌هایی به نشانه سبک جدید فرماندهی

امیر نرمانی: ثبت بازتاب نور از یک موضوع در یک موقعیت زمانی و مکانی با استفاده از سطح حساس و ابزارهای مکانیکی تعریف بسیار ساده و قابل فهمی از عکس است که در شاخه‌های مختلفی از جمله شاخه خبری، مستند، گزارش و... طبقه‌بندی می‌شود اما موضوعی که در همه شاخه‌ها و تقسیم‌بندی‌های رایج عکاسی مشترک است، سندیّت و قابلیت رجوع است. تصور کنید عکسی از یک رخداد طبیعی یا یک حادثه تهیه می‌شود، همین یک فریم به تنهایی قابلیت رقابت با متنی را دارد که تعداد کلماتش گاهی به ۵۰۰۰ می‌رسد.

عکس‌های بسیاری در طول تاریخ پیدایش و رواج عکاسی ثبت شده که تأثیر غیر قابل‌انکاری بر افکار عمومی داشته‌اند تا جایی که به تنهایی معادله‌ای را برهم زده یا موجب شکل‌گیری تصمیم جدید و رخدادی بزرگ‌تر شده‌اند. عکس‌هایی که در عین شباهت فرمی و موضوعی تأثیرات متفاوت و متمایز از همدیگر داشته‌اند.

در سال‌های اخیر و به‌طور مشخص از سال ۱۳۹۰ و با آغاز و تشدید درگیری‌ها در سوریه و گسترش نبرد به عراق و تصرف بخش وسیعی از این کشور توسط نیروهای شبه‌نظامی معروف به داعش، نام یک فرمانده ایرانی در محافل خبری دنیا مطرح شد که با وجود سابقه گسترده فعالیت نظامی تحت عنوان فرماندهی لشکر ۴۱ نزالله کرمان در سال‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و فرماندهی سپاه قدس در ۲ دهه اخیر کمتر از او گفته شده بود و غالباً در رسانه‌های خارجی و تحلیل‌های خاص نظامی عنوان می‌شد این گمنامی در رسانه‌های داخلی و بین توده مردم به خواست و علاقه شخصی خود او صورت می‌گرفته و تمایلی به حضور در رسانه‌ها نداشته است. کم‌حرف است و به قول یک مقام سابق ارتش عراقی فردی زیرک و استراتژیست بشدت باهوش. این مقام می‌گوید: زمانی که وارد اتاقی می‌شود که مثلاً ۱۰ نفر در آن حضور دارند، او جلو نمی‌آید، همان جا در طرف دیگر اتاق بسیار آرام می‌نشیند. صحبتی نمی‌کند، نظری نمی‌دهد، تنها می‌نشیند و گوش می‌دهد، البته قطعاً همه در آن اتاق تنها به او فکر می‌کنند.

حاج قاسم ایران، ژنرال قاسم سلیمانی رسانه‌ها و رهبران دنیا، فرماندهای نظامی که مجله معتبر نیوزویک آمریکا با چاپ عکسی از او با لباس نظامی و نگاه محکم او را «الله انتقام» می‌خواند و توضیح می‌دهد که او ابتدا با آمریکا جنگیده، الان در حال له کردن داعش است. «واژه فرماندهی‌اش تا بدانجا می‌رود که ابوما، رئیس‌جمهور آمریکا او را «دشمن قابل احترام» خود می‌نامد و جان کری، وزیر خارجه آمریکا برای دیدار با او ابراز علاقه و اشتیاق می‌کند و «رائول مارک گروست» عضو ارتش اندیشکده دفاع از دموکراسی می‌گوید: «قاسم سلیمانی بسیار سفر می‌کند. تکان بخورید. تلاش کنید یا دستگیرش کنید یا بکشیدش!» نقل قول‌ها و گزارش رشادته‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و آرایش و ظاهر منحصر به فردش در نشریات مختلف منطقه‌ای و جهانی و شبکه‌های اجتماعی منعکس می‌شود و نام او را از

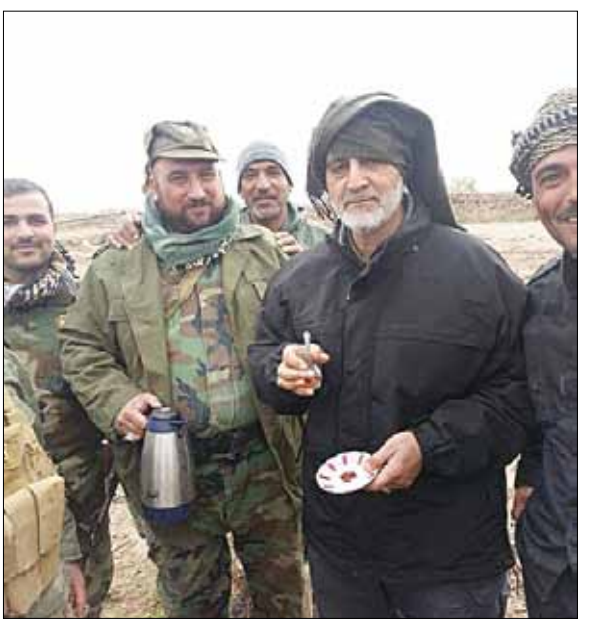
متن تحلیل‌های نظامی و نشریات خاص به میان توده مردم می‌کشاند تا جایی که عکس، فیلم و خبر حضورش در منطقه‌ای از عراق یا سوریه به سرعت در شبکه‌های اجتماعی انعکاس می‌یابد و دست به دست می‌شود.

با همه اوصافی که بیان شد مخاطب در پی دیدن عکس‌های این فرمانده نامی با عکس‌هایی مواجه می‌شود که بسیار ساده و به دور از تعارفات نظامی گرفته شده است؛ تناقض عجیبی که البته برای آنان که به نحوه و نگرش نظامی‌گری در ایران آشنا هستند تعجب‌برانگیز نیست.

قاسم سلیمانی لباس ژنرالی ندارد، پیراهن و شلوار غالباً خاکی رنگ بر تن، با چغیهای بر گزیدن، محافظان او را احاطه نکرده‌اند. در جمع مبارزان کرد، داوطلبان شیعه و فرماندهان مردمی و داوطلب دستور نمی‌دهد، سوار موتور می‌شود، اسلحه‌ای در نزدیکی‌اش نیست، تنها در چند فریم بی‌سیمی در دست دارد، در جمع خانواده شهدا حاضر می‌شود، از آنها دلجویی می‌کند و بوسه‌ای بر پیشانی کودکان شهدا می‌زند و در اغلب فریم‌های که توسط هواداران‌ش و با دوربین‌های غیر حرفه‌ای ثبت شده است، لیخندی بر لب و آرامشی بر چهره‌اش دارد، چای می‌نوشد و سبب می‌خورد.

نگاهی اجمالی و دقیق به عکس‌های منتشر شده سردار سلیمانی بیانگر سبک جدیدی از فرماندهی است. وقتی نیروهای رسمی و نظامی از ترس جلالان داعشی ادوات نظامی خود را رها کرده و می‌گریزند وظیفه دفاع برعهده مردم عادی است که نیازمند ساماندهی و آموزش هستند. مردم عادی وقتی فرماندهی از جنس خود را در جمع‌شان می‌بینند با تمام وجود برای آنچه بدان اعتقاد، باور و ایمان دارند، می‌جنگند و شهید می‌شوند.

در تحلیل عکس‌های منتشر شده از فرمانده‌ای که عکاسی از او کار آسانی نیست می‌توان گفت حاج قاسم سلیمانی به خوبی اصول فرماندهی را می‌داند، جنگ را می‌شناسد و اشراف کامل به فرهنگ و مردم منطقه دارد؛ همان نکته‌ای که نظامیان و فرماندهان عالی‌رتبه آمریکایی و غربی به‌رغم حضور نزدیک به ۱۵ ساله خود از درک آن عاجز هستند. در تکریب، زادگاه صدام معدوم، رهبر حزب بعث عراق استکان چای در دست دارد و در منطقه کردنشین امرلی دست در دست پیشمرگ‌های کرد لیخند می‌زند و نمونه‌های مشابهی از این دست که بیانگر تیزهوشی و آشنایی او به فرهنگ غالب منطقه و پیام مستتر در بطن عکس به عنوان یک رسانه و سندی بر یک ادعاست. عکس‌هایی که به لطف گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی و سرعت بالای انتشار و باز نشر تأثیر زیادی بر مخاطبان داشته است تا آنجا که علاقه‌مندی زیادی میان قشر جوان برای آشنایی بیشتر با تفکرات و پیگیری اخبار پیرامون او ایجاد کرده است و حتی مخالفان جنگ را به تحسین فرمانده این روزهای نبرد با داعش و حمایتش در عراق، سوریه و لبنان وادار کرده است.



حضور در تکریب، شهر زادگاه صدام



کر بلا، بین الحرمین



دیدار با فرزندان شهید ابوسیف الفروای از فرماندهان مردمی عراقی